

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله آداب اسلامي ۷



بسم الله الرحمن الرحيم

انسان مسلمان لازم است که زبانش را حفظ نماید، به دلیل آنچه که امام احمد (رحمته الله) روایت کرده که پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ يَضْحَكُ بِهَا جَلَسَاءَهُ يَهْوِي بِهَا مِنْ أْبَعَدَ مِنَ الثَّرِيَا». (المسند (۸۹۶۷)).

یعنی: همانا انسان سخنی می گوید که بوسیله آن همنشینانش را می خنداند، که او را از فاصله دورتر از ثریا به پائین پرت خواهد کرد.

یا سخن خیر بگو یا ساکت باش، بدلیل حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده و گفته است: پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ». (بخاری (۶۰۱۸) این روایت را نقل کرده است).

یعنی: هر کس به خدا و روز آخرت ایمان دارد یا خیر را بگوید و یا ساکت شود.

سخن خوب و پسندیده یکی از ابواب صدقه بحساب می آید، ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر ﷺ گفته است: «كُلُّ سُلَامَى مِنَ النَّاسِ صَدَقَةٌ، كُلُّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ يَعْدِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَيُعِينُ الرَّجُلَ عَلَى دَابَّتِهِ فَيَحْمِلُ عَلَيْهَا أَوْ يَرْفَعُ مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ». (بخاری (۲۹۸۹) و مسلم (۱۰۰۹) این حدیث را روایت کرده اند).

یعنی: هر روز که خورشید در آن طلوع می کند، بر هر مفصلی از اعضای بدن مردم صدقه ای لازم است که بپردازند: با عدالت رفتار کردن میان دو نفر صدقه ای است...، کسی را بر پشت الاغ خود می گذارد و یا باری با

آن جابجا می کند، صدقه ای است، و سخن خوب و پسندیده صدقه است... بلکه سخن خوب، شخص را از آتش دوزخ دور می کند. عدی بن حاتم رضی الله عنه روایت می کند و می گوید: پیامبر ﷺ از آتش دوزخ سخن به میان آورد، که بلافاصله روی خود را از آن برگرداند، و از آن به خدا پناه برد، دوباره از آن سخن گفت و روی خود را برگرداند و به خدا پناه برد، سپس گفت: از آتش دوزخ خود را برهانید اگرچه با تکه ای از خرما باشد، و اگر کسی خرما نداشت با گفتن یک سخن خوب خود را برهاند. (بخاری (۶۵۶۳) و مسلم (۱۰۱۶) این روایت را نقل کرده اند).

باید کوشید تا خود و دیگران را به کم سخن گفتن ترغیب کرد؛ چون زیاد سخن گفتن باعث وارد شدن به گناه می شود، بدلیل قول پیامبر ﷺ که می فرماید: «وَأَنَّ أْبْغَضَكُمْ إِلَيَّ وَأَبْعَدُكُمْ مِنِّي مَجْلِسُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الثَّرَاوُونَ...». (ترمذی آن را از حدیث جابر رضی الله عنه (۲۰۱۸) روایت کرده و لفظ از آن او است).

یعنی: مبغوضترین شما نزد من و دورترین شما از من در روز قیامت، یاوه گویان و بیهوده گویان هستند.

باید از غیبت حذر کرد، چون خداوند می فرماید: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا». (الحجرات: ۱۲).

«و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند».

غیبت کردن در شش مورد جایز است:

۱. مظلوم می تواند نزد حاکم و قاضی تظلم خواهی کند.
۲. وقتی بخواید برای تغییر منکر کمک بگیرد.
۳. هنگام استفتاء از مجتهد و بگوید فلانی اینچنین بر من ظلم کرده است.
۴. هشدار به مسلمانان که وارد شر و فتنه نشوند و آنان را نصیحت کند، بشرطیکه هدفش نصیحت باشد.
۵. اگر شخصی فسق و بدعت را بطور علنی انجام دهد). بخاری برای جواز غیبت اهل فساد و اهل شک استدلال می کند به گفتار پیامبر ﷺ درباره عیینه بن حصن، وقتیکه بر علیه پیامبر ﷺ اذن گرفت، و پیامبر ﷺ گفت: بدترین برادر عشیره...!
۶. برای شناختن و توصیف کردن، مانند اینکه کسی معروف به اوصاف زیر باشد: کور، چلاق، کچل و ... ولی اگر منظور تنقیص او باشد حرام است . صاحب مختار درباره ... گفته است: برای اهل روستا غیبت نیست. الآداب الشرعیة (۲۷۴/۱).

مواردی که به هنگام غیبت مباح، لازم است مراعات شوند

۱. در نیت، اخلاص خدا را داشتن.
۲. تا آنجا که ممکن است از شخص معینی نام نبرد.
۳. باید به برادر دینی تذکر داد که فقط سخن مباح را بگوید.
۴. باید یقین داشته باشد که این کار او باعث مفسده ای بزرگتر نگردد.

اسبابی که باعث غیبت می شوند

- ۱ - بخاطر شفا یافتن از خشم و کینه ای که از طرف دارد، و این، گفتار پیامبر ﷺ را یاد می آورد که می فرماید: «من كظم غيظاً وهو قادر على أن ينفذه دعاه الله عز وجل على رؤوس الخلائق يوم القيامة حتى يخيره من الحور ما شاء». (صحیح ابوداود (۳۹۹۷) و آلبانی آنرا حسن دانسته است).
- یعنی: هر کس خشم خود را فرو خورد، در حالیکه قادر بر انجام آن باشد، خداوند او را در روز قیامت جلوی همه مخلوقات صدا می زند و او را میان حوریان بهشت اختیار می کند هر قدر که بخواید.

- ۲ - تا اینکه از جمع عقب نیافتد و با دوستان و همکیشان خود همصدا گردد، و این کار، حدیث پیامبر ﷺ را یاد می آورد که می فرماید: «ومن ألتمس رضا الناس بسخط الله وكَلَّه الله إلى الناس» (صحیح ترمذی (۱۹۶۷) و آلبانی آنرا صحیح دانسته است).

- یعنی: هر کس رضایت مردم را با خشم خدا بدست بیاورد، خداوند او را به مردم واگذار می کند.
- ۳ - جبران کمبودهای خویش با تنقیص دیگران، و علاج آن، این است که باید دانست آنچه نزد خدا می باشد بهتر و ماندگارتر است.
- ۴ - برای شوخی و هزل گفتن، ولی پیامبر

ﷺ می فرماید: «ويل للذي يحدث فيكذب

ليضحك به القوم، ويل له، ويل له». (ابوداود (۴۹۹۰) این حدیث را روایت کرده و آلبانی آنرا حسن دانسته است).

یعنی: وای بر کسی که سخن دروغ می گوید تا مردم را بخنداند، وای بر او، وای بر او!!

۵ - حسد، ولی پیامبر ﷺ می فرماید: «لا يجتمعان في قلب عبد الإيمان والحسد» (صحیح الجامع (۷۶۲۰)).

یعنی: در قلب انسان، ایمان و حسد با هم جمع نمی شوند.

- ۶ - به کسی چیزی را نسبت می دهد تا خود را از آن تبرئه کند.
- ۷ - بی کاری زیاد.
- ۸ - خود را به بزرگان و صاحب منصبان نزدیک کردن.

مواردی که گمان نمی برد غیبت باشند، ولی غیبت هستند

۱. کسی را غیبت می کند، و وقتی بر او اعتراض می شود که غیبت است، می گوید: من این سخن را نزد خودش هم می گویم.
۲. کسی در میان مردم، هنگام ذکر نام کسی می گوید: به خدا پناه می برم از بی حیایی بعضی ها! و یا خدا از سر تقصیر فلانی بگذرد و ...



۳. اینکه بگوید: فلانی مبتلا به این است.

۴. بی توجهی و تساهل در غیبت گناهکاران.

باید از دو جابگویی حذر کرد، چون پیامبر ﷺ می فرماید: «لا یدخل الجنة قتات» (بخاری (۶۰۵۶) و مسلم (۱۰۵)) این حدیث را روایت کرده اند.

دو جابگو به بهشت داخل نمی شود.

کسیکه نزد او غیبتی کرده می شود باید موارد زیر را حلق آویز خود کند

۱. نباید حرف تمام را باور کند و نباید آنرا تصدیق کند.

۲. باید او را نصیحت کند، و از چنین عملی نهی کند.

۳. باید او را بخاطر خدا مبعوض بدارد، چون او نزد خداوند مبعوض می باشد.

۴. نباید نسبت به برادر غائبش سوءظن داشته باشد.

۵. نباید غیبت او باعث شود که در حال و اوضاع طرف تجسس و جستجو نماید.

۶. نباید به خود اجازه دهد که حرف تمام را بازگوید، و نباید بگوید فلانی این چنین گفته است، چون با این کار، خودش هم تمام می شود.

نبايد هر چیزی را که شنید بازگوید، چون پیامبر ﷺ می فرماید: «كفى بالمرء إثماً أن يحدث بكل ما سمع» (روایت مسلم (۵) و لفظ از اوست).

یعنی: برای گناهکار بودن شخص همین کافی است که



هر چیزی را شنید بازگوید.

باید از دروغ حذر و پرهیز کرد؛ خداوند می گوید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾ (التوبة: ۱۱۹).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان)

خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید».

و همانگونه که در حدیث سمره بن جندب ؓ درباره رؤیای پیامبر ﷺ آمده که می فرماید: «ولی من امشب در خواب دیدم که دو نفر نزد من آمدند و دستهایم را گرفتند

و من را به سرزمین مقدس بردند، در آنجا دیدم مردی

نشسته و مردی دیگر ایستاده بود که در دستش نیزه ای

آهنی بود؛ برخی از اصحاب ما از موسی نقل کرده اند که

آن مرد نیزه را به لپ مرد نشسته می زد تا اینکه از ستون

فقراتش بیرون می آمد، و سپس این کار را با لپ دیگرش

می کرد و لپ اولی التیام می یافت که دوباره نیزه را در آن

فرو می برد، گفتم: این چیست؟ آن دو مرد گفتند: ادامه بده

و برو...» و در آخر حدیث، پیامبر ﷺ به آن دو مرد

گفته است: امشب من را گردانیدید، و آنچه را دیدم به من

بگوئید: گفتند: باشد، آن مرد را که دیدی لپهایش را

سوراخ می کردند او کذاب و دروغگو است، که دروغ

می گوید و دروغ او را حمل می کنند تا به آفاق برسد،

سپس تا روز قیامت با او این چنین می کنند...» (بخاری



(۱۳۸۶) و احمد (۱۹۶۵۲) این حدیث را روایت کرده اند.

دروغ گفتن در سه مورد جایز است

۱. برای اصلاح میان مردم.

۲. در جنگ.

۳. وقتی مرد با زنش صحبت کند، و یا زن با شوهرش

سخن بگوید.

و دلیل آن حدیث پیامبر ﷺ است که می فرماید: «لا

أعده كاذباً الرجل يصلح بين الناس، يقول القول ولا يريده

به إلا الإصلاح، والرجل يقول في الحرب، والرجل يحدث

امراته، والمرأة تحدث زوجها» (ابوداود (۴۹۲۱) این حدیث را نقل

کرده و آلبانی آنرا صحیح دانسته است.)

یعنی: دروغ بحساب نمی آورم اینکه: کسی بخاطر

اصلاح بین مردم دروغ بگوید و آنرا فقط بخاطر اصلاح

بگوید، و کسیکه در جنگ چیزی بگوید، و مردی که

درباره زنش و یا زنی که درباره همسرش چیزی بگوید

اشکالی ندارد.

نبايد فحاشی و بددهن بود، و نبايد سخن آزاردهنده

گفت، بدليل اين روايت که می گوید: پیامبر ﷺ فحاشی و

بدسخن نبوده است. (بخاری (۳۵۵۹) این حدیث را روایت کرده است.)

کسیکه جدل را رها می کند، اگرچه حق با او باشد،

برتر است: پیامبر ﷺ می فرماید: «أنا زعيم ببيت في ربض

الجنة لمن ترك المراء وإن كان محققاً» (ابوداود (۴۸۰۰) این

حدیث را روایت کرده و آلبانی آنرا حسن دانسته است.)

یعنی: کسیکه جدل را ترک کند با اینکه حق با او



است، من در وسط بهشت خانه‌ای را برای او ضمانت می‌کنم.

از خندانند مردم به دروغ، نهی شده است، بدلیل قول پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «وَلَيْلٌ لِلَّذِي يَحْدُثُ فَيَكْذِبُ لِيُضْحَكَ بِهِ الْقَوْمُ وَيَلْهُ وَيَلْهُ» (ابوداود (۴۹۹۰) این حدیث را روایت کرده و آل‌بانی آنرا حسن دانسته است).

یعنی: وای بر کسیکه با سخنان دروغ مردم را می‌خنداند، وای بر او! وای بر او!

و لازم است از خندیدن زیاد حذر کرد چون پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَا تَكْثَرُوا مِنَ الضَّحْكِ فَإِنَّ كَثْرَةَ الضَّحْكِ تَمِيتُ الْقَلْبَ» (ابن ماجه (۴۱۹۳) این حدیث را روایت کرده و آل‌بانی (۳۴۰۰) آنرا حسن دانسته است).

یعنی: زیاد نخندید زیرا خندیدن زیاد قلب را می‌میراند.

هرگاه کسی با برادر دینی خود صحبت کند و به اطراف خود نگاه کند، به معنی آن است که سخن امانت است؛ چون پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ بِالْحَدِيثِ ثُمَّ التَفَتَ فَهِيَ أَمَانَةٌ» (ابوداود (۴۸۶۸) این حدیث را روایت کرده و آل‌بانی آنرا حسن دانسته است).

بزرگان را در صحبت کردن باید جلو انداخت، سخن باید بگونه‌ای باشد که شنیده شود، نه زیاد بلند، و نه زیاد کم باشد، و عبارتی دیگر بگونه‌ای باشد که همگی بشنوند و از تصنع و غلو بدور باشد.

نباید سخن را قطع کرد، همانند پیامبر ﷺ که با مردم صحبت می‌کرد که ناگاه یک اعرابی وارد شد و پرسید قیامت کی می‌آید؟ ولی پیامبر ﷺ سخنانش را ادامه داد و وقتی تمام شد گفت: کجاست آن کسیکه از قیامت می‌پرسید؟ سپس جوابش را داد. (بخاری (۵۹) این حدیث را روایت کرده است).

آرام صحبت کردن، و عجله نکردن هنگام سخن گفتن بدلیل آنچه از پیامبر ﷺ روایت شده که: پیامبر ﷺ چنین صحبت می‌کرد اگر کسی آنرا می‌شمرد، حرفهایش قابل شمارش بود. (بخاری (۳۵۶۸) این حدیث را روایت کرده است).

پیامبر ﷺ کلام را با عجله نمی‌گفت بلکه سخن را روشن و واضح می‌گفت بگونه‌ای که اگر گوش می‌کردند آنرا حفظ می‌نمودند. (امام احمد (۲۵۶۷۷) این روایت را نقل کرده است).

به هنگام صحبت کردن، باید صدا را پائین آورد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾. (لقمان: ۱۹).

«از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزین)».

دوری جستن از برخی الفاظ حرام، مانند کلمات کفرآمیز، سوگند بغیر خدا، و گفتن: مردم هلاک یافتند و سوگند بطلاق، و دشنام دادن به زمانه و ...

نباید شخص در مجلس خود را از همه برتر بداند و فقط خود سخن بگوید.

نباید درباره خود با حالتی مفاخره‌آمیز صحبت کرد،

بدلیل قول خداوند که می‌فرماید: ﴿فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ﴾. (النجم: ۳۲).

«پس خودستایی (و از گناه پاک و بی‌آلایش معرفی) نکنید».

و یا خود را بزرگ جلوه دادن، مانند گفتن: من، چنین می‌پنداریم، و ...

مراعات کردن مشاعر دیگران، ابن‌القیم (رحمته الله) درباره آنها چنین می‌گوید: برخی از آنان با مردم اختلاط می‌کنند بخاطر خودپرستی و آنان کسانی هستند که عقلی ثقیل و کینه‌ای دارند، نه آنطور صحبت می‌کنند که از آن استفاده ببری، و نه آنقدر ساکت می‌شوند که از تو استفاده ببرند، و حتی نفس خویش را نمی‌شناسند که آنرا در جایگاه خود قرار بدهند.

هنگام ذم کردن نباید بطور تعمیم آنرا گفت.

باید در موارد زیر رعایت بخرج داد:

از سؤال کردن زیاد باید پرهیز کرد، زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَيَكْرَهُ لَكُمْ ثَلَاثًا وَمِنْهَا كَثْرَةُ السُّؤَالِ». (مسلم (۱۷۱۵) و احمد (۲۷/۲) این حدیث را روایت کرده است).

نباید در جواب دادن زیاد سریع بود.

باید کوشید نسبت به هر گناهی خواه صغیره و یا کبیره اظهارنظر نکرد.

نسبت به افراد سفیه و کم‌عقل و نادان واکنش نشان نداد.

نباید سخنی را گفت که مناسب حال و مقام نباشد. نسبت به مسایلی که به او ارتباطی ندارد نباید دخالت کرد، بدلیل حدیث پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «من حسن إسلام المرء تركه ما لا يعنيه». (صحیح ترمذی (۱۸۸۶) و آلبانی آنرا صحیح دانسته است).

یعنی: از جمله اخلاق زیبای انسان مسلمان این است در چیزی که به او ارتباطی ندارد دخالت نکند. نباید نزد کسیکه علاقه‌ای به گوش دادن ندارد صحبت کرد.

نباید سخن را زیاد تکرار کرد. نباید نسبت به مخاطبین، خود را بزرگ جلوه داد. باید مواظب بود نسبت به کسیکه صحبت می‌کند بی‌اعتنائی نکنید.

نباید حرفهای سخنگو را کم‌ارزش جلوه دهید. سعی نکنید حرفهای شخص سخنگو را تکمیل کنید. قبل از اتمام صحبت‌های او نباید بلند شد. سعی نکنید متکلم را تکذیب کنید. نباید در سخن گفتن با کودکان تقصیر و کوتاهی کرد. نباید در پخش کردن اخبار قبل از اثبات آن کوشید. نباید سخن دیگران را از دیگران شنید، و نباید آنرا بدون تحقیق و جستجو پذیرفت.

نباید زیاد غلیظ صحبت کرد، خداوند می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ

يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَارٍ لِلِإِنْسَنِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾. (الإسراء: ۵۳).

«به بندگانم بگو: سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که (شیطان بوسیله سخنان ناموزون)، میان آنها فتنه و فساد می‌کند؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است».

و در سوره بقره چنین آمده است: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾. (البقره: ۸۳). یعنی: «و به مردم نیک بگویید».

نباید هنگام عتاب و سرزنش زیاد شدت بخرج داد. به هنگام حوار و گفتگو باید ادب گفتگو را رعایت کرد و در آن نباید تقصیر نمود.

نباید هنگام صحبت کردن جوانب عاطفی را فراموش کرد.

نباید محاور را مسخره نمود. از مبارزه‌طلبی و شکست دادن دیگران باید حذر کرد. باید سعی نمود نام کسیکه محاوره می‌کند فراموش نکرد.

نباید از مبدأ ثابت و درست تنازل کرد. نباید بر خطا و اشتباه اصرار نمود، و از برگشت به حق هم عار نداشته باشد.

نباید نسبت به موضوع حوار کم علم و ناآگاه بود. نباید در ابتدای حوار احکام را صادر نمود.

نباید هنگام حوار، طفره رفت و نباید از موضوع اصلی دور شد.

نباید حالت معارض و مخالفت به خود گرفت. نباید در مسایلی که هیچ ارزشی ندارند زیاد فرو رفت. نباید زیاد لومه و سرزنش کرد. نباید نزد مردم زیاد شکوا و گلایه کرد. درباره زنان نباید زیاد صحبت کرد. نباید زیاد شوخی کرد.

باید از قسم خوردن پرهیز کرد: خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَحْضَرُوا أَيْمَنَكُمْ﴾. (المائدة: ۸۹). «و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید)».

نباید دنبال اشتباهات هم نشین خود را گرفت. نباید از هم نشین خود اظهار ملالت نمود. نباید هم نشینان خود را مکلف به خدمت خود نماید. باید در مجلس از رفتارهای ناشایست پرهیز کرد مانند: تف انداختن در حضور آنان، قهقهه خندیدن، بازی با سبیل و ریش و ...

نباید در مجالس، با منکرات سروکله زد. نباید در مجالس لغو، شرکت کرد، و نباید با اهل آن رفتار نمود.

نبایده بگونه‌ای نشست که نشان‌دهنده بی‌ادبی باشد. نباید در وسط مجلس نشست. نباید به خود فشار آورد تا فصاحت را در کلام بکار

گیرد، پیامبر ﷺ می فرماید: «سَيَكُونُ قَوْمٌ يَأْكُلُونَ
بِالسِّنْتِهِمْ كَمَا تَأْكُلُ الْبَقْرَةُ مِنَ الْأَرْضِ». (صحیح الجامع
(۴۱۹)).

یعنی: قومی خواهند آمد که با زبانهایشان آنچنان که
گاوها می چرند، آنان نیز سخن می گویند.
و قتیکه نمی توانی نقل قول را آنگونه که هست نقل
کنی، آنرا تبلیغ و نقل نکن.

لازم است که انسان تلاش و کوشش نماید که برادر
دینی خود را تحت پوشش قرار دهد، پیامبر ﷺ
می فرماید: «لَا يَسْتَرِ عَبْدٌ عَبْدًا فِي الدُّنْيَا إِلَّا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ». (صحیح الجامع (۷۷۱۳)).

یعنی: هر کس بنده ای را در دنیا تحت پوشش قرار
دهد، خداوند او را در قیامت تحت پوشش خود قرار
می دهد.

نباید دیگران را با القاب و نامهای زشت صدا زد، خداوند
می فرماید: «وَلَا تَتَابَرَّوْا بِالْأَلْقَابِ». (الحجرات: ۱۱).

«و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید».

و یا می فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ». (الهمزة: ۱).

«وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای».

و پیامبر ﷺ نیز می فرماید: «بحسب امریء من الشر
أن يحقر أخاه المسلم». (صحیح الجامع (۷۲۴۲)).

یعنی: اینکه کسی برادرش را تحقیر نماید، برای

خرابکاری و فتنه انگیزی او کافی است.

هرگاه کسی با مردم صحبت کرد نباید به یکی از آنان
رو کند و از دیگران روبرگرداند.

اگر کسی بطور اتفاقی هنگام سخن گفتن دچار خطا و
اشتباه شد، اگرچه کفر هم باشد، مؤاخذه نمی گردد، و دلیل
آن روایتی است که مسلم نقل کرده که در آن پیامبر ﷺ
چنین می فرماید: «لِلَّهِ أَشَدُّ فَرْحًا بِتُوبَةِ عَبْدِهِ حِينَ يَتُوبُ إِلَيْهِ

مَنْ أَحَدِكُمْ كَانَ عَلَى رَاحِلَتِهِ بِأَرْضِ فَلَاةٍ، فَاَنْفَلَتْ مِنْهُ
وَعَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَأَيْسَ مِنْهَا، فَأَتَى شَجَرَةً فَاضْطَجَعَ
فِي ظِلِّهَا وَقَدْ أَيْسَ مِنْ رَاحِلَتِهِ فَبَيْنَمَا هُوَ كَذَلِكَ إِذَا هُوَ
بِهَا، قَائِمَةٌ عِنْدَهُ، فَاَخَذَ بِخَطَمِهَا ثُمَّ قَالَ مِنْ شِدَّةِ الْفَرْحِ
اللَّهُمَّ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ، أَخْطَأُ مِنْ شِدَّةِ الْفَرْحِ». (صحیح
مسلم (۲۷۴۷) کتاب التوبه).

یعنی: خداوند بخاطر توبه بنده اش خیلی خوشحال تر

می شود از کسیکه در بیابانی وسیله سواری خود را گم
می کند در حالیکه آب و غذایش هم بر روی آن قرار دارد
و از پیدا کردن آن نیز مأیوس می گردد، و از فرط ناراحتی،
به زیر درختی پناه می برد و زیر سایه آن خوابش می برد، و
در این میان بیدار می شود و می بیند که آن حیوان نزد او
ایستاده است، و بلافاصله افسار آنرا گرفته و از شدت
خوشحالی می گوید: پروردگارا تو عبد منی و من خدای
تو!! و از شدت خوشحالی اشتباه می کند.